

نگاه بیرون

چرا کاخ سفید در مورد ایران تنهاست؟



● به نظر می‌رسد ما با مساله‌ای روبه‌رو شدیم که دولت آن را اصلا نمی‌خواست؛ اینکه رویکرد رئیس‌جمهوری درمقابل ایران ما را کجا خواهد برد؟ سرمقاله واشنگتن‌پست این موضوع را از دید دیگری مطرح کرده بود؛ اینکه نشانه‌هایی وجود دارد که دغدغه‌های مشترک بین دوحزب دربارہ این توافق را افزایش می‌دهد.

در این سرمقاله سه‌دغدغه مهم درباره رویکرد رئیس‌جمهوری عنوان شده بود: فرایندی که در ابتدا باهدف برچیدن توانمندی هسته‌ای ایران شروع شده بود، به برنامه‌ای برای تحمل و محدودکردن این توانمندی تغییر کرده است.

دوم اینکه، در جریان مذاکرات دولت اوباما برای مقابله با تلاش‌های ایران برای افزایش نفوذش در خاورمیانه کوتاه آمده‌اند و به‌نظر می‌رسد آماده واگذاری جایگاه یک‌قدرت منطقه‌ای به تهران به‌ضرر سایر متحدان آمریکا و اسرائیل هستند.

در پایان اینکه، دولت اوباما نشان می‌دهد که به‌نیال اجرایی‌کردن توافق به‌دست‌آمده با ایران تعلیق تحریم‌های مصوب کنگره- بدون اخذ رای تایید کنگره است، درحالی‌که اعضای این توافقنامه پیامدهای درازمدتی برای رژیم گسترش هسته‌ای و امنیت‌ملی آمریکا دارد، آن‌هم توسط رئیس‌جمهوری که کمتر از دو سال دیگر در کاخ‌سفید باقی نخواهد ماند. در این سرمقاله اشاره شده است چهره‌های برجسته سیاست خارجی آمریکا «هنری کسینجر» و «جرج شولتز» در این زمینه هشدارهایی به کاخ‌سفید داده‌اند. بی‌قراری و نوسان در استراتژی کاخ‌سفید در مورد ایران، در کانون استراتژی خاورمیانه‌ای اوباما از ۲۰۰۹ تا همین امروز بوده است. آنچه جالب توجه است، این است که نوسان فزاینده در مورد سیاست ایران کاخ‌سفید مبتنی بر تصمیم اولیه شروع به مذاکرات با این کشور نیست، اما مطابق معمول کاخ‌سفید مخالفان امضای توافقنامه را عده‌ای پرشور معرفی می‌کنند، که نفرت غیرمنطقی‌شان از ایران با عشق به جنگ افروزی ترکیب‌شده و درمجموع ایوژیسیون نابینایی درمقابل رئیس‌جمهوری خردمند و طرفدار دیپلماسی به‌وجود آورده است.
مناظره اساسا بر سر این نیست که با ایران گفت‌وگو بکنیم یا نه، سوال این است که چگونه می‌توان منافع مهم آمریکا را درپناه این مذاکرات پیش‌برد. بحث بر

سر مذاکرات هسته‌ای ایران درواقع مناظره بر سر استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا است. مدافعان مذاکره معتقدند بر ایران بهترین شریک درازمدت آمریکا در منطقه است و منافع ایرانی‌ها و آمریکایی‌ها به شکل استراتژیکی به‌هم متصل‌اند. سعودی‌ها که خود را متحد ما می‌دانند، درحال صدور افراط‌گرایی مذهبی، به‌شدت درگیر استقرار سازمان‌های سیاسی عقب‌افتاده هستند. بمب ساعتی پادشاهی سعودی در حال تیک‌وتاک‌کردن است و روزی می‌رسد که مردم خسته از فساد، طمع و بی‌صلاحیتی خاندان سعودی، منفجر می‌شوند. درمقابل، ایران طبقه متوسط تحصیل‌کرده‌ای دارد و نیروهای مشغول‌به‌کار به‌زودی ایران را درمقایسه با کشورهای عرب متحد آمریکا تبدیل به کشور دموکراتیک و مدرن‌تری خواهند کرد. ازاین‌رو پایان‌دادن به خصومت میان ایران و آمریکا بر سر پرونده هسته‌ای مسایل بسیاری را حل خواهد کرد. این توافقنامه، گشایش دیگری در روابط دوستانه دوکشور خواهد بود. بنابراین سیاست آمریکا، ایجاد روابط دوستانه میان دوکشور و برپایه مجموعه منافع دوکشور خواهد بود. وقتی دولت ایران کمتر احساس تهدید کند، همکاری آمریکا را در نظم منطقه‌ای درک خواهد کرد، که به نفع دوکشور هم هست. در چنین وضعیتی ایران در درون سیستم منطقه‌ای می‌ماند و به‌عنوان یک‌بازیرگر ذی‌نفع وارد میدان می‌شود و دست از فرافتگی برمی‌دارد. این کسانی که با این استراتژی مخالفتند، می‌خواهند بدانند رئیس‌جمهوری و حلقه‌های خیلی نزدیک به او تا کجا پیش خواهند رفت و ترکیب باورهای مذهبی در ایران با گروه‌های مختلف بعد از رفع تحریم‌ها چگونه خواهد بود؟ مشکل دیگر مساله اتحاد ایران و آمریکا از چشم متحدان ناراضی واشنگتن است. کاخ‌سفید در مسیر رسیدن به فهم جدیدی از ایران، کاخ‌سفید تاکید شدیدی بر روابط فعلی‌اش با ریاض یا اسرائیل دارد. درنتیجه ایران بدون تلاش فوق‌العاده، موقعیت آمریکا را در منطقه درحال تضعیف می‌بیند. دین دواهای آشکار بین ریاض - واشنگتن و واشنگتن- تل‌آویو خیلی‌ها را در تهران شاد و سرحال می‌کند. در چنین شرایطی به‌نظر خیلی‌ها می‌رسد که آمریکا می‌خواهد متحدان سابقش را فریب دهد، درحالی‌که هیچ‌جایگزین دیگری هم مطرح نیست. اگر دولت اوباما می‌توانست نشان دهد سیاست ایران - کاخ سفید موقعیت آمریکا را در شبکه‌ای از اتحاد منطقه‌ای، مستحکم‌تر از زمان فعلی خواهد کرد خوب بود، اما هنوز چنین چیزی ارایه نشده است. این مدل نه‌تنها برای افکارعمومی آشکار نیست، بلکه برای رهبران کنگره و وزاری خارجه سابق آمریکا هم روشن نیست. تا زمانی که دولت اوباما نتواند نشان دهد سیاست ایرانش به وضعیت مقدارنه‌تری برای آمریکا ختم خواهد شد، بدبینی‌ها و مخالف‌ها بیشتر خواهد شد.

ظریف در دیدار با وزیر خارجه چین از راهبرد ایران در گفت و گو با (۱+۵) خبر داد

یک ماه مذاکره دوجانبه هسته‌ای

«وانگ یی» با رییس جمهوری نیز دیدار کرد



عکس:مونا عوهدی فکر-ایسنا

آتی رییس‌جمهور چین به جمهوری اسلامی ایران گفت: «این سفر با توجه به اهدافی که برای آن درنظر گرفته شده، می‌تواند در توسعه روابط دوکشور تاثیر تاریخی داشته باشد.» وزیر امور خارجه چین در ادامه با اشاره به اراده ایران برای فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای و تلاش برخی کشورها برای ایجاد مانع در مسیر توسعه هسته‌ای نیست و این رویکرد در حل‌وفصل موضوع جمهوری اسلامی ایران اظهار کرد: «رهبری معظم جمهوری اسلامی ایران و جنابعالی بارها به جامعه بین‌المللی تاکید کرده‌اید که ایران به‌دنبال سلاح هسته‌ای نیست و این رویکرد در حل‌وفصل موضوع هسته‌ای ایران بسیار موثر است.» وانگ اظهار امیدواری کرد که مذاکرات اخیر هرچه زودتر به توافق جامع بینجامد تا این مساله دخالت‌های خارجی را در مسیر توسعه ایران رفع کند و ایران به‌عنوان کشور بسیار مهم در صحنه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای هرچه بیشتر نقش‌آفرینی کند.

امید ایران به نقش موثر چین

صبح روز گذشته «وانگ یی» و «جواد ظریف» بیش از دو ساعت گفت‌وگو کردند؛ گفت‌وگویی با محورهای مختلف، از روابط دوجانبه گرفته تا مسایل بین‌المللی، منطقه‌ای و مذاکرات هسته‌ای. گفت‌وگوها به فاصله نشست خبری کوتاهی متوقف شد اما قرار شد در ناهر کاری ادامه پیدا کند. سوالات نشست خبری مشترک دو وزیر بیشتر بر موضوع مذاکرات هسته‌ای و نقش چین متمرکز بود. وزیر خارجه چین، مذاکرات هسته‌ای را به کوهنوردی تشبیه کرد که نزدیک قله رسیده‌اند اما مشکلات فراوی آنها کم نیست. جواد ظریف نیز مانند روحانی تاکید کرد: «ایران به نقش چین برای رسیدن به راه‌حل خوب در بحث هسته‌ای امیدوار است.»روایت ظریف از نشست دوساعته با همتای چینی‌اش این‌ بود «مبنه‌های مختلف گسترش همکاری‌ها را مورد راینی قرار دادیم.»

ادامه از صفحه ۳

مذاکره در وقت اضافی

اگر این دو ادعا درست باشد، بیانگر اشتباه محاسبه دست اندرکاران سیاست خارجی کشور است. اما با شناختی که از بدنه وزارت امور خارجه دارم و وجود کارشناسان خبره سایر دستگاه‌های درگیر در سیاست خارجی، در صورتی‌که از دیدگاه‌ها و توانمندی‌های کارشناسی آنان استفاده شود بعید به‌نظر می‌رسد چنین اشتباهاتی از سوی طرف ایرانی صورت گیرد. نته‌تها من، بلکه هیچ تحلیلگری تا اطلاعات دقیقی از روند مذاکرات نداشته باشد، نمی‌تواند به میزان صحت‌وسقم هر یک از سه‌سناریوی بالا پی ببرد. هر سه آنها می‌توانند هم درست باشند و هرکدام وزن خاص خودشان را داشته باشند و امور دیگری، باعث ایجاد شرایط کنونی باشد. اما من معتقدم حتی با فرض صحت نظریات دسته‌های اول و سوم که ایران را مقصر نشان می‌دهند، تفاهم با آمریکا در شرایط کنونی هم عملی نیست و هم به‌نفع ایران نخواهد بود.

زیرا از زمانی‌که تحولات کنگره و سنا به ضرر دموکرات‌ها رقم خورد و احتمال جایگزینی جمهوریخواهان در دولت آینده به‌جای دموکرات‌ها افزایش یافت، وقت آمریکا برای مذاکره تمام شد و این چندمدت بدون هدف و البته بدون امیدواری به دستاوردی در وقت‌اضافی مذاکره می‌کرد. دموکرات‌ها هم باید خودشان را برای مبارزات داخلی انتخابات ریاست‌جمهوری آماده کنند و هم دیگر سرمایه‌گذاری در زمینه مذاکره با ایران و رسیدن به تفاهم برایشان سودآور نیست. آنها به‌دنبال سرمایه‌گذاری روی سیاستی نیستند که در بهترین حالت، نتیجه‌اش عاید حزب جمهوریخواه شود و در بدترین حالت چندماه بعد از استقرار رقیبشان در کاخ سفید مورد بازنگری قرار می‌گیرد. البته تنها دغدغه آمریکایی‌ها مخصوصا «زمانی‌که روابطشان با روسیه به سردی گراییده»، نزدیک‌شدن تهران و مسکو است. بنابراین طرف ایرانی نیز باید واقع‌گرا باشد و بهتر است ضمن استفاده از مزیت‌های نسبی‌اش در سیاست خارجی برای تفاهم، مشکلات داخلی را از طریق بهبود سیستم خدمات مدیریت، ایجاد و تقویت اراده ملی برای رویارویی با مشکلات، بهادادن به تولید ملی، پرهیز از عوامگرایی و فریب افکار عمومی، صداقت و روراستی با مردم، دگرگونی در نظام اداری کشور و مقابله با فساد سیستمی از طریق توانمندی‌های داخلی حل کند و آمیدی به حل تمامی مشکلات از طریق تفاهم با غرب و آمریکا نداشته باشد.

IEON
Since 1960

Respecting you is our business.



تجربه لحظات گرم و صمیمی

در شعبه نیاوران

نیاوران: خیابان دکتر باهنر (نیاوران)
قبل از دوراهی درازشیب

تلفن : ۰۲۲۷۷۴۴۰-۰۲۲۷۷۴۴۰

www.leon1960.com